



سید فاضل موسوی جلال

پژوهشگاه علمی انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

شبانه روزی انجام می دهند. وظیفه سیستم زندانبانی زمانی سنگین تر می گردد که متوجه شویم مطابق برخی آمارها قریب ۵۰٪ ورودی ها کمتر از ۱ ماه در زندان می مانند و تعداد کسانی که صرفاً یک روز در زندان می مانند قابل توجه است.

وظایف زندانبانان در حبس کوتاه مدت

با توجه به تعداد نسبتاً قابل توجه افرادی که اقامت کوتاه مدت یک تا چند روزه در زندان دارند و گروهی که اقامت میان مدت و یا حبس طولانی دارند میتوان در زمینه انجام وظایف تفکیک هایی قائل شد. از جمله طرح های مناسبی که در این

یکی از ویژگیهای جوامع جدید فقدان وقت کافی و اوقات فراغت است بگونه ای که افراد دارای دو یا سه شغل هستند و اصولاً مقوله ای به نام وقت آزاد و تفریح برای آنها معنایی ندارد. تا آنجا که به زندان ارتباط دارد با شرایطی معکوس مواجه ایم بگونه ای که حجم عظیمی از ساعات فراغت وجود دارد که باید برای آن برنامه ریزی شود. ضرورت این کار از آنجائیکه در صورت عدم برنامه ریزی و هدایت این پتانسیل، نوعی برنامه ریزی خودبخودی بوجود می آید که مسلماً در جهت خواست سیستم زندانبانی نبوده و منجر به خنثی سازی زحماتی می شود که کارکنان به صورت

چیزی که می دانیم زیاد نیست. چیزی که نمی دانیم عظیم است.

سلام و تبریک

شد که وظایف مددکاری باید تفکیک شود بگونه ای که مددکاری روانشناختی، اجتماعی و قضایی هرکدام بطور تخصصی فعالیت کنند. از جمله فعالیت های دیگری که لازم است برای بهبود جایگاه مددکار در سیستم قضایی انجام شود، تضمین یک جایگاه قانونی برای مددکار قضایی است، بگونه ای که مددکار بعنوان یک کارشناس و کسی که مدام در زندان و مراکز مرتبط با مددجو حضور دارد مورد مشورت کارشناسی قرار گیرد و اظهار نظر او از سوی سیستم مورد توجه قرار گیرد. هدف نهایی این است که زندان برای افراد یک مأمن باشد نه محلی برای ارباب یا ترساندن. هدف قانونگذار از زندان جدا کردن فرد هنجارشکن از جامعه و محرومیت فرد از حضور در اجتماع است.

برای اینکه فرد احساس کند زندان محلی برای تغییر و دگرگونی است برخی اقدامات زیربنایی لازم است که انجام می شود و برخی اقدامات نمادین. مثلاً حتی درب ورود و خروج زندان باید مجزا باشد تا واقعاً تغییر مورد نظر احساس شود نه اینکه همان افرادی که مسوول پذیرش هستند، فرد را آزاد کنند. این امر با توجه به تخصصی بودن امور نیز قابل ملاحظه است و در مواردی دیده شده بدلیل تراکم امور، فردی به اشتباه آزاد می شود.

وظیفه سیستم زندانبانی در قبال محبوسین میان مدت با افزایش اقامت فرد در زندان نیازهای دیگری جز کاهش استرس و مشاوره قضایی پدیدار می گردد. بسته به ویژگی فرد، لزوم آشنایی با بیماریهای پرخطر، نوپدید و باز پدید، آموزش مهارت های اجتماعی، سوادآموزی، مهارت های شغلی و موارد مشابه رخ می نمایند. در عین حال روند مشاوره فردی با هدف کنترل استرس باید ادامه یابد. در برخی موارد و با توجه به مفاسد مترتب بر حضور فرد در زندان جلب کمک از انجمن های خیریه برای تأدیه قرار و انتقال فرد به خارج از زندان ضروری است. هر چند می توان در سیستم قضایی تمهیدات لازم را از طریق قضات ناظر زندان و قاضی صادرکننده قرار فراهم نمود تا بتوان با تبدیل و تعدیل قرار افراد واجد صلاحیت را شناسایی و تا زمان صدور حکم محکمه از زندان رها نمود.



زمینه وجود دارد تفکیک بازداشتگاه و زندان است. به این ترتیب می توان بین متهم و محکوم تمایزی قائل شد که از بروز بسیاری مشکلات و بدآموزی ها جلوگیری می کند. در عین حال باید توجه داشت که صرف متهم بودن دلیلی برای حضور فرد در بازداشتگاه نخواهد بود و برای افراد سابقه دار و بخصوص معتادین بیشتر باید بر تجارب زندانبانان، مصاحبه با افراد در بدو ورود و ملاک های مبتنی بر جرم اتکا کرد.

مددکاری: خط اول جبهه

ثابت ترین یافته بین زندانبانان جدیدالورود و فاقد سابقه، اضطراب و استرس است که قطعاً بر خانواده نیز آثار مشابه دارد. در صورت تداوم حضور در زندان منجر به افسردگی و یا حتی خودکشی می شود. به این ترتیب کاهش استرس و اضطراب اولین اولویت در خدمات رسانی به زندانی جدیدالورود است که از طریق ایجاد ارتباط بین فرد و خانواده یا سایر افراد و نهادهای حمایت گر تامین می شود. در مواردی فراهم آوردن امکان تلفن و تأدیه قرار (اعم از وثیقه یا کفالت) می تواند آرام بخش بوده و مشکل فرد و خانواده را کاهش داده یا باعث آرامش فرد گردد.

فعالیت دوم ارائه مشاوره قضایی است، در همین جا باید متذکر

برنامه ریزی اشتغال

اشتغال زندانی هر نوع فعالیتی را در برمی گیرد که به نوعی اوقات فرد را پر کند و در قبال آن مزدی پرداخت شود. متأسفانه دیدگاهی وجود دارد که اشتغال در زندان را صرفاً با هدف ایجاد سود تلقی می کند. در صورتی که بتوان چنین کاری انجام داد پسندیده است ولی دیدگاه کسب سود در کوتاه مدت می تواند مخرب باشد. آیا صرفه جویی ناشی از هدایت و اصلاح فرد جزو سودی نیست که نصیب جامعه می شود و تنها باید هزینه مواد اولیه و دستمزد را با کالای تولیدی سربه سر کرد و در صورتی که این معادله ناهماهنگ باشد و هزینه ها برگشت نشود، سیستم زندانبانی متضرر شده است؟ اگر واقعاً چنین دیدی وجود دارد پس همه دانشگاه ها و مدارس نیز زیان آور بوده و باید تعطیل شوند. در این شرایط تکلیف آیه شریفه و من احیا نفوساً فکانما احیا الناس جميعاً... چه می شود؟



است که حسن اجرای آنها نیز همانقدر اهمیت دارد. برای تأمین امنیت مالی افراد خصوصاً کسانی که فاقد پشتوانه مالی از بیرون هستند می توان دستمزدی برای انجام امور جاری مانند کار در آشپزخانه، نظیفات، تأسیسات و... در نظر گرفت که چرخه باطل استخدام افراد توسط زندانبان برای نظافت و شستشوی لباس و ظروف در قبال پول و غذا را می شکند و گامی مهم در جهت کنترل گروه های قدرت در زندان است که در مواردی همه فعالیت های اصلاحی را عقیم می گذارند.

کار تولیدی با شناسایی افراد متخصص و مستعد در هر زمینه تولیدی و اشتغال علی الخصوص بحث اشتغال نشسته امری ضروری است و راهکار تجربه شده ای است و باید از استعداد و توانایی اینگونه زندانبانان باید استفاده کرد. این استفاده در راستای کارآفرینی و بکارگیری افرادی است که خود تجربه و تخصص ندارند. زندان در این موارد باید سرمایه گذاری نموده و در نتیجه زمینه اشتغال دیگر زندانبانان را فراهم نمود و در این جریان ضمن آموزش، افراد بکارگیری می شوند. کار در زندان را باید بگونه ای سازمان دهی کرد که متکی به فرد نباشد تا با رهایی افراد این فعالیت معلق شود. بهترین توصیه در این زمینه راه اندازی خط تولید است که منجر به تفکیک حداکثر وظایف و غیر تخصصی کردن آنها است تا فعالیت متکی بر شخص نباشد در این شرایط نیاز به یک مدیر تولید است که با اتکا به نیروی زندانی و در موارد نیاز به استادکار امکان تأمین آن وجود دارد.



تفکیک امور خدماتی و تولیدی

اشتغال باید در راستای اصلاح و تربیت زندانی باشد. توجه به این نکته ضروری است که بسیاری از مشکلات زندانبانان ناشی از فقدان انضباط در زندگی است و هدایت فعالیتهای افراد در این زمینه می تواند خیلی موثر باشد. بر این اساس تنظیم فعالیت های افراد در جهت مرتب کردن امور شخصی یک شروع خوب است. تدوین ساعات خواب و بیداری، نرمش، ادای فریضه نماز، صرف غذا و... در این راستا مهم

دارد علی‌الخصوص در میان جمع بودن این موضوع را تشدید می‌کند و باعث بروز رفتارهای ضداجتماعی می‌شود.

در حال حاضر بهترین راه حل اشتغال، اشتغال نشسته است، این موضوع بدلیل تراکم زندانها، عدم کفایت فضاهای کارگاهی زندانها و ناتوانی بنگاه تعاون و حرفه آموزی در راستای بکارگیری همه زندانیان راه حل مناسبی است. لذا جهت دادن اشتغال بسوی اشتغال نشسته و شناسایی مشاغلی که نیاز به حداقل فضا را داشته و بعضاً قابلیت انجام آن بصورت سریایی و در هواخوریها وجود داشته باشد امری ضروری است. در این میان با حداقل ابزار و با کمترین سرمایه، بیشترین انرژی انسانی

و کار و مهارت فردی بکارگیری می‌شود. بهادادن به افرادی که زمینه اشتغال تعدادی زندانی را فراهم می‌نمایند و تشویق و ارائه خدمات به اینگونه افراد میتواند باعث توسعه اشتغال نشسته در زندانها باشد. شناسایی بازار مصرف کالاهای تولیدی، دائرکردن نمایشگاه و فروشگاه در سالنهای انتظار و ملاقات و یا اجازه خرید و خروج آن توسط زندانی و خانواده در ملاقات از عوامل مهم توسعه اشتغال است. قطعاً هیچ کالای تولیدی بدون بازاریابی استمرار تولید نخواهد داشت پس ضرورت شناسایی بازار مصرف، نوع تقاضای مصرف کمتر، تنوع تولید، ارزیابی کالای تولید اعم از کمی و کیفی، قیمت تمام شده مناسب همه از عوامل تداوم کار زندان هستند عدم توجه به مواد اشاره شده قطعاً منجر به توقف کار خواهد شد.

این موضوع بسیار گسترده و خارج از حوصله این مقاله است ولی اهمیت آن انکارناپذیر است ولی در یک کلام می‌توان گفت حیات و زندگی بدون کار حرکتی شتاب آلود و در جهت فرسایش امکانات است.



بحث و نتیجه گیری

وظیفه مدیریت سیستم زندانبانی جمع آوری اطلاعات، شناسایی استعدادها، جهت دادن به فعالیت‌ها و بکارگیری این استعدادها است. روشن است که در این زمینه نیاز به اطلاعات به روز و مداوم است تا بتوان از حداکثر توانایی این حجم عظیم نیروی انسانی استفاده کرد. در این زمینه می‌توان یک بانک اطلاعات سراسری ایجاد کرد البته نباید فراموش کرد که در همه استانها استعدادها نهفته‌ای وجود دارد که قطعاً با دقت و هوشیاری و شناسایی توانایی زندگی اجتماعی هر استان می‌توان در آن راستا قدم برداشت و در مواردی نیز به انتقال مهارت از زندانهای استانهای دیگر مبادرت کرد به نحوی که بسیاری از صنایع از جمله صنایع دستی را به استانهای دیگر آورد.

کار زندان باید یک ضرورت تلقی شود که نیاز به سرمایه گذاری دارد نه به عنوان فعالیتی سودآور که حتماً باید دخل و خرج آن همزمان تامین شود. بر اساس یک دیدگاه، کار ذاتاً ارزش است. این دیدگاه را می‌توان ترویج کرد تا در زندگی افراد مبنای عمل قرار گیرد.

در عین حال که بیکاری بخودی خود آثار مخرب بسیاری